

The role of historical photographs in the development of critical thinking in history education

fathi¹

Abstract

Human visual experience is primarily due to his learning, understanding and reaction to his environment. Learning in humans is done in different ways. One of these methods is using photos. By looking at a photo, people convey images to their minds, the human brain is very interested in analyzing and storing information visually, to the point where it even stores the relationship between objects and information in a visual form, not verbally. . Therefore, the use of photos in teaching history, if it is done with the teacher's design and thinking and observing the principles of learning and teaching, will strengthen visual literacy and develop critical thinking skills in students. Critical thinking means a set of attitudes and thinking skills that are used for analysis, understanding and reasoning. Learning to think critically requires practice, and using photos in teaching is a good practice in this field. The question of the present research is how the use of historical photographs in history education leads to the development of critical thinking in students. The findings of the research, which were conducted using historical analysis and evidence-based methods, indicate that the use of historical photos has led to the development of visual literacy of learners and the representation of past realities, and by strengthening the power of interpretation, analysis and evaluation in the development of critical thinking. Learners play a role.

Keywords: historical photos, history education, critical thinking, visual literacy, learning style

* Corresponding Author, Email: k.fathi@cfu.ac.ir

نقش عکس تاریخی در توسعه تفکر انتقادی در آموزش تاریخ

کوروش فتحی^۱

استادیار گروه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی دانشگاه فرهنگیان پردیس حکیم فردوسی البرز

چکیده

تجربه بصری انسان نخست به خاطر یادگیری، فهم و واکنش او نسبت به محیط اوست. یادگیری در انسان به صورت‌های مختلف انجام می‌پذیرد. یکی از این روش‌ها استفاده از عکس است. انسان‌ها با نگاه کردن به عکس، تصاویر را به ذهن منتقل می‌کنند، مغز انسان علاقه زیادی به تحلیل و ذخیره اطلاعات به صورت بصری دارد تا جایی که حتی ارتباط میان اشیاء و اطلاعات را به شکل دیداری ذخیره می‌کند نه واژگانی. بنابراین بهره‌گیری از عکس در تدریس تاریخ در صورتی که با طراحی و اندیشه معلم و رعایت اصول یادگیری- یاددهی انجام گیرد موجب تقویت سواد بصری و توسعه مهارت تفکر انتقادی در دانش‌آموزان می‌شود. منظور از تفکر انتقادی، مجموعه‌ای از نگرش‌ها و مهارت‌های فکری است که برای تحلیل و فهم و استدلال به کار می‌آید. آموختن تفکر نقادانه به تمرین نیاز دارد و استفاده از عکس در آموزش تمرین خوبی در این زمینه است. سؤال پژوهش حاضر اینست که استفاده از عکس‌های تاریخی در آموزش تاریخ چگونه موجب توسعه تفکر انتقادی در فراگیران می‌شود؟ یافته‌های پژوهش که با استفاده از روش تحلیل تاریخی و مستند به شواهد انجام گرفته بیانگر آنست که استفاده از عکس‌های تاریخی موجب رشد سواد بصری فراگیران و بازنمایی واقعیات گذشته شده و با تقویت قدرت تفسیر، تحلیل و ارزیابی در توسعه تفکر انتقادی فراگیران نقش آفرین است.

واژگان کلیدی: عکس تاریخی، آموزش تاریخ، تفکر انتقادی، سواد بصری، سبک یادگیری

۱. مقدمه

تجربه بصری انسان نخست به خاطر یادگیری، فهم و واکنش او نسبت به محیط اوست. قدیم‌ترین مطلب ضبط شده به وسیله انسان به صورت تصویر است که نقاشی‌های به جا مانده در غار آلتامیرا^۳ در اسپانیا و غار لاسکوا^۴ در فرانسه از آن جمله است. زمان آفرینش آنها به حدود ۲۰ هزار سال قبل بر می‌گردد. اولین نگاره‌های یافته شده، شوق انسان به یادگیری را نشان می‌دهد. یادگیری در انسان به صورت‌های مختلف انجام می‌پذیرد. یکی از این روش‌ها دیدن تصاویر است. انسان‌ها با نگاه کردن به عکس، صورت‌ها و تصاویر را به ذهن منتقل می‌کنند. مغز ما علاقه زیادی به تحلیل و ذخیره اطلاعات به صورت بصری دارد. حتی ارتباط میان اشیاء و اطلاعات را به شکل دیداری ذخیره می‌کند نه واژگانی. ذهن علاوه بر ذخیره سازی می‌تواند در قالب بازگویی و تحلیل تصاویر به بازنمایی آن بپردازد. حال اگر این تصاویر دارای ویژگی علمی و آموزشی باشد، نقش مهمی در یادگیری خواهد داشت و باعث فعال سازی قوه یادگیری در ذهن می‌شود.

حدود ۷۵ درصد از یادگیری انسان متعارف با حس بینایی به دست می‌آید. این امر اهمیت راهبردهای دیداری در فرایند مطالعه و یادگیری دانش آموزان را نشان می‌دهد. کتابهای درسی و آموزشی که فاقد عکس و تصویر باشند، جذابیت زیادی نداشته و در فراگیران اشتیاق چندانی برای آموختن به وجود نمی‌آورد. بنابراین برای ارتقای میزان بهره‌وری و کیفیت تدریس، تصویر می‌تواند به شیوه‌های گوناگون برای درک بهتر اطلاعات دیداری در کتاب های درسی تاریخ مورد استفاده قرار گیرد.

علاوه بر عکس که پدیده‌ای متعلق به قرن نوزدهم می‌باشد، نقاشی در گذشته برای ثبت وقایع و ماندگاری و حفظ رویدادها استفاده می‌شد. تاریخ هنر^۵ یکی از رشته‌های علوم انسانی است که به تحقیق در فرهنگ دیداری

^۳) Altamira Cave

^۴) Lascaux Cave

^۵) Art History

می‌پردازد. تاریخ هنر بر آن است که نقش فرهنگ دیداری در جوامع مختلف را بشناسد و از راه بررسی همه‌جانبه خود هنر، آگاهی بیشتر از مردم و فرهنگ‌هایی که آن هنری را آفریده‌اند به دست آورد. گستره فرهنگ دیداری نه فقط ساخته‌های نقاشان، مجسمه‌سازان، چاپگران و معماران، بلکه بسیاری تولیدات دیگر (مانند عکس‌ها، فیلم‌ها، طرح‌های تبلیغاتی، اشیای زینتی و غیره) را شامل می‌شود. تاریخ هنر با مطالعه و تجزیه و تحلیل این آثار به ما می‌گوید که آن‌ها چگونه شکل گرفته‌اند و در زمان‌ها و مکان‌های معین برای گروه‌های مختلف مردم چه معنای بصری خاصی داشته‌اند. مطالعات تاریخ هنر، تاریخ گروه‌های مردمی مختلف و فرهنگشان است که در آثار هنریشان تجلی یافته‌است.

از نظر بیشتر کارشناسان، عکس و فیلم از انواع مهم هنر به‌شمار می‌آیند. عکس و فیلم قابلیت سرگرم کردن، آموزش، روشننگری و الهام بخشیدن به بیننده را دارند. رسانه‌های دیداری، نیاز به هیچ نوع ترجمه‌ای ندارند و قدرت ارتباطات جهانی را به یک محصول تصویر متحرک می‌بخشند. فیلم‌ها و عکس‌ها همچنین محصولاتی هستند که توسط فرهنگ‌های مشخص تولید شده و آن فرهنگ‌ها را منعکس کرده و همچنین از آنها تأثیر می‌پذیرد.

آنچنان که می‌دانیم تاریخ‌نگاری و آموزش تاریخ در ایران همواره به صورت سنتی نوشته‌مدار بوده، یعنی پایه اصلی استناد روایات تاریخی و تدریس تاریخ، اسناد مکتوب است. اما دیگر این مساله که در گذشته گفته می‌شد «اسناد خود سخن می‌گویند» خیلی مورد قبول نیست. چرا که در آن صورت اساساً نیازی به تاریخ‌نگار احساس نمی‌شد. در دو دهه گذشته این رویکرد تازه منجر به این شده که همه آن چیزهایی که به عنوان «منابع ملموس فرهنگی» شناخته می‌شود، مثلاً ابزار کار و اشیای زندگی روزمره و منابع تصویری چه نقاشی، چه عکس و چه فیلم در تاریخ‌نگاری مبنا قرار گرفته و به همه این‌ها به عنوان منابع تاریخ‌نگاری، نگریسته می‌شود. امروزه در آموزش تاریخ به منابع ملموس فرهنگی به عنوان یک ضرورت در تفهیم تاریخ نگریسته می‌شود. شکل‌گیری تفکر انتقادی که نیاز به تمرین هدفمند دارد یکی از مهارت‌های کاربردی است که از نظام آموزشی نوین مورد انتظار است. عکس و فیلم به عنوان رسانه‌ای در دسترس و دارای کاربرد چندوجهی در این امر نقش مهمی دارد. در این مقاله تلاش بر این است که با طرح این سؤال که استفاده از عکس‌های تاریخی در آموزش تاریخ چگونه موجب توسعه تفکر انتقادی در فراگیران می‌شود؟ به این مسئله با دیدی کاربردی نگریسته شود. یافته‌های پژوهش که با روش تاریخی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و مستند به شواهد انجام گرفته، بیانگر آنست که استفاده از عکس‌های تاریخی در آموزش با رعایت اصول یادگیری و طراحی آموزشی متناسب، موجب رشد سواد بصری فراگیران و بازنمایی واقعیات گذشته شده و با تقویت قدرت تفسیر، تحلیل و ارزیابی در توسعه تفکر انتقادی فراگیران نقش مؤثری دارد.

۲. پیشینه پژوهش

پائولا گولکاسیان (۲۰۱۰) در پژوهش خود نشان می‌دهد که از میان سه فرمت تصویر، گفتار و نوشتار، دو رسانه تصویر و گفتار بیش از متن‌های چاپی در تقویت استدلال فراگیران مؤثر است. جریل نیکس^۱ و چارا بوهان (۲۰۱۴) در مقاله «نگاه به گذشته برای کمک در زمان حال: نقش تاریخی عکس در کلاس‌های تاریخ راهنمایی و متوسطه» استدلال می‌کنند که متون بصری دیگر ساده نیستند بلکه ابزارهایی هستند که ظاهر یک متن نوشته شده را بهبود می‌بخشد و برای یادگیری دانش‌آموزان نقش اساسی دارند. چاد بری^۲ و دیگران (۲۰۰۸) در پژوهش خود از اهمیت

عکس و قابلیت تفسیری آن در بازنمایی واقعیات گذشته یاد کرده و یکی از وظایف معلمان در تدریس را تقویت سواد بصری دانش‌آموزان می‌دانند. بارتون (۲۰۰۱) در مقاله «ارزش یک تصویر» عقیده دارد یک تصویر می‌تواند ارزش هزاران کلمه را داشته باشد و کاربرد مهم عکس در تدریس، بالا رفتن توانایی تجزیه و تحلیل و تفسیر اطلاعات تاریخی برای کمک به قضاوت در مورد اعتبار و معنای داستان‌های گذشته است. لارسن (۲۰۱۷) در مقاله «درک و آموزش تفکر انتقادی - رویکردی جدید» عقیده دارد که تفکر انتقادی یک پدیده گریزان و پیچیده است و تلاش برای ثبت آن در هر تعریفی بیهوده است. تفکر انتقادی یک موضوع خاص است و بستگی زیادی به موضوعی دارد که باید به طور انتقادی درباره آن فکر کرد. یکیونگ (۲۰۱۸) تفکر انتقادی را یک کارکرد ذهنی درجه بالاتری می‌داند که تحت تأثیر عوامل اجتماعی قرار می‌گیرد و در یک زمینه اجتماعی انجام می‌شود. به عقیده او برای آموزش تفکر انتقادی بر اساس نظریه‌های روان‌شناختی اجتماعی تغییر رفتار، دستورالعمل‌هایی لازم است. او بر اساس بررسی ادبیات رویکرد عمل منطقی و نظریه شناختی اجتماعی پیشنهاد می‌کند که معلمان باید توجه یادگیرندگان را به مدل‌های واقعی و خوب تفکر انتقادی معطوف کنند. یکیونگ فشارهای اجتماعی و سوگیری‌های شخصی را مانع بزرگ تفکر انتقادی می‌شمارد. کارل ساویچ (۲۰۰۹) در مقاله «بهبود مهارت‌های تفکر انتقادی در تاریخ» به بررسی راهبردها و تکنیک‌هایی برای بهبود مهارت‌های تفکر انتقادی و مشارکت در کلاس درس تاریخ دبیرستان پرداخته است و با بررسی دیدگاه‌ها و نظریات مختلف و تحلیل اسناد نتیجه می‌گیرد که زمانی که مهارت‌های تفکر انتقادی در درس مورد تأکید و ادغام قرار گرفته است با برنامه ریزی، دانش‌آموزان نمرات بالاتری را در آزمون‌ها و تکالیف به دست آورده و درک عمیق‌تر و معنادارتری از تاریخ کسب نموده‌اند.

۳. عکس ، عکاسی و تاریخ نویسی

^۱ Paula Goolkasian

^۲ Jearl Nix

^۳ Chara H. Bohan

^۴ Chad Berry

^۵ Keith C. Barton

^۶ Kristoffer Larsson

^۷ Lisa Lee Yekyung

^۸ Carl Savich

عکاسی، هنری مستقل است. عکس‌ها عموماً به صورت کتاب‌های مجموعه عکس، کتاب درسی و دیگر آثار مکتوب انتشار می‌یابند یا در گالری‌ها به نمایش گذاشته می‌شوند. جایگاه عکس در گذر زمان دستخوش تغییرات بسیار شده است. در گذشته عکاسی مختص موقعیت‌ها و مناسبت‌های ویژه مثل سفرهای زیارتی، عروسی‌ها و... بود. به همین دلیل عکس‌ها معمولاً بار خاطرات فراوانی بر دوش می‌کشیدند و ورق زدن آلبوم‌های خانوادگی در شب‌نشینی‌ها و دورهمی‌ها یک سرگرمی جذاب به شمار می‌رفت. اما از آنجا که امروزه عکاسی بسیار آسان و کم‌هزینه شده، عکس از جایگاه خود در گذشته فاصله گرفته است. هر یک از ما روزانه چندین عکس می‌گیریم؛ عکس‌هایی که گاه حتی بدون اینکه فرصت دوباره دیده شدن پیدا کنند، به دلیل کمبود حافظه، پاک می‌شوند.

نمی‌توان تأثیر عکس را در کامل کردن شخصیت‌پردازی نادیده گرفت. گاهی ممکن است یک عکس به اندازه بیست صفحه توصیف، کارساز باشد و شخصیت قهرمان را به خواننده معرفی کند. جای ایستادن قهرمان (آیا در وسط کادر ایستاده یا در کنار؟) و حس دیگران نسبت به وی در عکس می‌تواند بیانگر اهمیت و اعتبار شخص باشد. برای مثال در موزه جماران عکسی سیاه و سفید مربوط به سال ۱۳۴۱ وجود دارد که **امام خمینی** (ره) را هنگام خارج شدن از مسجدی در قم نشان می‌دهد عکس از بالا گرفته شده است. جمعیتی شاید حدود هزار نفر، اطراف ماشین سیاه رنگی را گرفته‌اند و امام به طرف ماشین در حال حرکت‌اند. نگاه همه این هزار نفر متوجه ایشان است. همه هر چه دیدنی بوده رها کرده‌اند و به ایشان چشم دوخته‌اند. چنین عکسی بهتر از هر جمله و توصیفی، شخصیت، اعتبار و اهمیت فرد را بیان می‌کند. بنابراین تاریخ و تصویر را پیوندی ناگسستنی است.

۳-۱ رابطه تصویر و سبک یادگیری

روش تدریس و یادگیری با یکدیگر رابطه مستقیم دارند. اینکه دانش‌آموزان چگونه یاد می‌گیرند، یعنی سبک یادگیری. سبک یادگیری به مجموع راه‌هایی که معمولاً فرد از آن‌ها برای حل مسئله، تفکر و یادگیری استفاده می‌کند، می‌گویند. به لحاظ تفاوت‌های فردی هر دانش‌آموز شیوه‌ی انفرادی و خاصی برای یادگیری دارد. هماهنگی میان روش‌های یاددهی و سبک‌های یادگیری دانش‌آموزان به اثر بخشی بهتر می‌انجامد. یکی از پذیرفته‌شده‌ترین تقسیم‌بندی‌ها از سبک‌های یادگیری را فلمینگ^۵ و باوم^۶ بیان کرده‌اند از نظر آنها سبک‌های یادگیری دانش‌آموزان به چهار دسته تقسیم می‌شوند: دیداری، شنیداری، ترجیح خواندن/نوشتن، و حرکتی.^۷ این مدل تصدیق می‌کند که دانش‌آموزان رویکردهای متفاوتی برای پردازش اطلاعات دارند که به آن «حالت‌های یادگیری ترجیحی» می‌گویند. (Fleming & Baum, 2006:2) سبک یادگیری دیداری^۸ یکی از انواع سبک‌های یادگیری

^۵ Neil Fleming

^۶ David Baum

^۷ Visual learning

^۸ این دسته بندی به اختصار مدل VARK گفته می‌شود.

است و در آموزش مدرن جایگاه مهمی دارد. به باور روانشناسان حدود ۶۵ درصد فراگیران دارای خصوصیات سبک دیداری هستند. ویژگی‌های عمومی این افراد عبارت است از:

- با مشاهده و ترکیب تصاویر با اطلاعات، اطلاعات را به خاطر می‌سپارند
- برای برقراری ارتباط با دیگران و همچنین سازماندهی اطلاعات از تصاویر، نقشه‌ها و نمودارها استفاده می‌کنند.
- معمولاً برای به‌خاطر آوردن مطلبی چشمان خود را برای تجسم آن در ذهن خود می‌بندند.
- معمولاً افرادی مرتب و منظمی می‌باشند.
- این‌گونه افراد در تجسم اشیاء، طرح‌ها و نتایج در ذهن خود توانا می‌باشند.
- معمولاً در کلاس درس نیمکت‌های ردیف جلو را اشغال می‌کنند.
- تمایل به برداشتن یادداشت‌های مفصل و با جزئیات فراوان دارند.
- این افراد جذب کتاب‌های مصور می‌گردند.
- در به‌خاطر آوردن لطیفه‌ها مشکل دارند. (نظری، ۱۳۹۵: ۲۶-۲۸)

امروزه کاربرد انواع قالب‌های تصویر و دستورالعمل استفاده از آنها برای تأثیر بیشتر روند یادگیری به‌طور گسترده‌ای روبه‌افزایش است. تصاویری که به خوبی انتخاب یا طراحی شده باشند باعث افزایش عملکرد شناختی یادگیرندگان می‌شود. کاربرد تصویر در آموزش ویژه بیشتر قابل توجه است. بررسی‌های اخیر در قالب‌های چندرسانه‌ای و فن‌آوری‌های جدید به دنبال تحلیل دلیل مکانی، زمانی، مخاطب شناسی و میزان به‌کارگیری تصویر در امر تسهیل سازی آموزش هستند. (زارعی زوارکی و جعفرخانی، ۱۳۹۲: ۲۷)

به‌نظر پاره‌ای از صاحب‌نظران، گاهی ارزش یک عکس معادل ده‌هزار لغت و عبارت است. اگرچه همیشه و در همه شرایط نمی‌توان این ادعا را پذیرفت، معه‌ذا سالیان درازی است که عکس به‌عنوان یکی از مواد آموزشی کمک‌شایان توجهی را در امر تدریس و یادگیری معلّمان و شاگردان بعهدده داشته است. نتایج تحقیقاتی که تاکنون درمورد ارزش و فواید کاربرد عکس‌های آموزشی صورت گرفته است نشان می‌دهد که استفاده از عکس در آموزش حاوی امتیازات و فواید بی‌شمار به‌شرح زیر است:

(۱) به‌یاد آوردن تجارب

(۲) کمک به مطالعه جزئیات

(۳) اصلاح اشتباهات و سوءتعبیرات

(۴) مقایسه و تضاد

(۵) ایجاد تجارب جدید

یکی از مزایای کاربرد عکس در آموزش تاریخ، درهم شکستن بعد زمانی و مکانی است. در این صورت ارائه عکس و یا عکس‌هایی که مربوط به دوران گذشته باشند بعد زمانی و ارائه عکس‌هایی که مربوط به سرزمین‌های دیگر باشند بعد مکانی را از بین می‌برند. کارویژهٔ عکاسی، بازنمایی وقایع تاریخی است. پیش از ظهور عکاسی، هنرهایی چون نقاشی و مجسمه‌سازی در راه تحقق خواست دیرین انسان یعنی تلاش برای جاودانه ماندن، نقش‌آفرینی می‌کردند.

۴. تفکر انتقادی

تفکر نقادانه به مجموعه‌ای از نگرش‌ها و مهارت‌های فکری گفته می‌شود که برای تحلیل و فهم و استدلال به کار می‌آید. آموختن تفکر نقادانه شباهت زیادی به آموختن مهارت‌های جسمانی دارد. به عبارت دیگر، همانگونه که برای دریافت یک مهارت جسمانی نیازمند انجام عملی آن هستیم، تفکر نقادانه نیز به تمرین نیاز دارد (براون و استوارت، ۱۳۹۷: ۱۶). معلم تاریخ در تدریس خود علاوه بر تفکر نقادانه، باید به شکل‌گیری تفکر تاریخی در دانش آموزان توجه داشته باشد. به گفته آلن بوث،^۱ تفکر تاریخی «شامل طرح پرسش‌ها و مرتب کردن شواهد محکم در دفاع از پاسخ‌ها، فراتر رفتن از واقعیت‌های مطرح شده در کتاب‌ها و بررسی اختصاصی اسناد تاریخی...» می‌باشد (بوث، ۱۳۹۴: ۳۳۹) و نتیجه مهم تمرین و تجربه تفکر تاریخی، ایجاد فهم تاریخی در دانش آموزان است. بوث فهم تاریخی را مهارتی در سه سطح متفاوت می‌داند:

۱- فهم به مثابه بازنمایی ذهنی رخدادها و جوامع در گذشته. این امر شامل آگاهی از ساختارها و فرایندهایی زیر بنایی است که تشکیل دهنده یک جامعه خاص یا دوره تاریخی معین، تعامل‌های پیچیده میان افراد و گروه‌های اجتماعی و محیط اطرافشان و دگرگونی‌های اساسی یا نقاط عطف هستند. (بوث: ۲۹)

۲- فهم به مثابه بازنمایی ماهیت و اهمیت زندگی مردمان در گذشته. «تاریخ راهی است که می‌توانید در آن نسخه ثانوی همه انواع رفتارهای انسانی را تجربه کنید... مهم‌ترین مسئله در زندگی همانا فهم رفتار دیگران است، و این همان چیزی است که تاریخ ما را بر آن توانا می‌سازد، مشاهده مردم در تمام موقعیت‌ها و در تمامی گام‌های زندگی.» (همان: ۳۱)

۳- فهم به مثابه قابلیت استفاده از تکنیک‌ها، رویه‌ها و مفاهیم رشته‌ای. این به معنی «فرآیند پیوند دادن شواهد مختلف از منابع دست اول و ثانوی، آگاهی از معنای یک مفهوم یا کنش خاص، توانایی فرد برای به کارگیری منعطف و متناسب آن معنا در پرداختن به مسائل تاریخی.» می‌باشد. نتیجه این سطح فهم: «تسلط بر تفسیرهای مختلف و تاریخ‌نگاری یک موضوع و در پی آن، درک ماهیت پویا و در حال رشد رشته تاریخ و اینکه وصول به فهم مستلزم شناخت و کاربرد درست لوازم و ابزارهای پژوهش» است. (همان: ۳۳ و Booth, ۲۰۰۰: ۴۷)

مایکل اسکرایون و ریچارد پاول تفکر انتقادی^۲ (سنجشگرانه اندیشی) را این‌گونه تعریف کرده‌اند: «شیوه‌ای از اندیشیدن درباره هر موضوع، محتوا یا مسئله است که در آن اندیشه‌گر با برعهده گرفتن ماهرانه‌ی ساختارهایی که ذاتی اندیشه‌اند و با اعمال معیارهای اندیشه‌ای بر آن‌ها، کیفیت اندیشیدن خود را بهبود می‌بخشد» (واربرتن، ۱۳۸۸: ۱۸). از نظر محققان تفکر انتقادی دو بخش دارد: دانش و عادت. شرط لازم برای این که تفکر انتقادی بر کیفیت تفکر و زندگی ما تأثیر بگذارد این است که تبدیل به عادت گردد و این امر به نوبه خود مستلزم تمرین است. (همان: ۱۹) ویژگی‌های یک سنجشگر اندیش ورزیده از نظر پاول و اسکرایون عبارتند از:

- ۱- پرسش‌ها و مسائل حیاتی مطرح می‌کند و آنها را بطور واضح و دقیق دسته بندی می‌کند.
- ۲- اطلاعات ربط دار را جمع آوری و ارزیابی کرده و با استفاده از انگاره‌های نظری، آنها را به نحو کارآمدی تفسیر می‌کند، به نتایج و راه حل‌های مستدل و معقول می‌رسد و آن‌ها را با ملاک و معیارهای مربوط می‌آزماید.
- ۳- با ذهن باز و از زاویه دید نظام‌های فکری متفاوت می‌اندیشد و در صورت نیاز، انگاشته‌ها، الزامات و نتایج عملی آن نظام‌های فکری را تشخیص داده و ارزیابی می‌کند.

۴- برای حل مسائل پیچیده به نحو کارآمد با دیگران تبادل اندیشه می‌کند. (همان: ۱۹)

ادوارد گلاسر^۳ تفکر انتقادی را اینگونه تعریف می‌کند: «توانایی تفکر انتقادی، شامل سه چیز است: (۱) نگرش به مسائل و موضوعاتی که در محدوده تجربیات فرد قرار می‌گیرد به روشی متفکرانه. (۲) دانش روش‌های تحقیق و استدلال منطقی، و (۳) مهارت در به‌کارگیری آن روش‌ها. تفکر انتقادی مستلزم تلاش مداوم برای بررسی هرگونه باور یا شکل فرضی دانش در پرتو شواهدی است که آن را تأیید می‌کند و نتیجه‌گیری‌های بعدی که به آن گرایش دارد. همچنین به طور کلی مستلزم توانایی تشخیص مشکلات، یافتن وسایل کارآمد برای رفع آن مشکلات، جمع‌آوری و مدیریت اطلاعات مربوطه، تشخیص مفروضات و ارزش‌های بیان‌نشده، درک و استفاده از زبان با دقت،

۱) Michael Scriven
 ۲) Richard Paul
 ۳) Critical Thinking
 ۴) Edward M. Glaser

وضوح و تمایز، برای تفسیر داده‌ها، ارزیابی شواهد و ارزیابی استدلال‌ها، تشخیص وجود (یا عدم وجود) روابط منطقی بین قضایا، نتیجه‌گیری و تعمیم‌های موجه، آزمایش نتیجه‌گیری و تعمیم‌هایی که فرد به آن‌ها می‌رسد، بازسازی الگوهای باورهای خود در مورد بر اساس تجربه گسترده‌تر، و قضاوت دقیق در مورد چیزها و کیفیت‌های خاص در زندگی روزمره (Glaser, 1942: 15).

نقادانه اندیشیدن به معنای عملکرد مؤثر در جهان متحول قرن بیست و یکم است. بنابراین، تنها یادگیری آگاهانه و تدریس نسبتاً فعال با تمرکز بر مهارت‌های تفکر انتقادی ممکن است به یادگیرنده کمک کند تا در هر زمینه‌ای، به نتایج مثبت دست یابد. مشکل این است که استانداردهای اساسی فکری ضروری برای تفکر انتقادی معمولاً در مدارس تدریس نمی‌شوند. بنابراین جوانان در مدارس و دانشگاه اغلب مهارت‌های استدلال و حل مسئله ضعیفی از خود نشان می‌دهند. (Barzdukiene & others, 2006: 77)

۴-۱ اصول و مبانی تفکر انتقادی

علاقه پژوهشی به CT به تحقیقات ادوارد گلاسر^۴ در سال ۱۹۴۱ برمی‌گردد که پایان نامه‌اش با عنوان «آزمایشی در توسعه تفکر انتقادی» بود. گلاسر در ابتدای معرفی تک‌نگاری بر اساس پایان نامه خود نوشت: صد و پنجاه سال آموزش عمومی در ایالات متحده منجر به افزایش تعداد باسوادان شده است. . . با این حال، آموزش عمومی ما منجر به ایجاد نسبت کافی از شهروندانی نشده است که بتوانند آنچه را که می‌خوانند ارزیابی انتقادی کنند (Glaser, 1941: 4-5). تفکر انتقادی (CT) قضاوتی هدفمند و خودتنظیمی است که منجر به تفسیر، تحلیل، ارزیابی و استنتاج و همچنین توضیح ملاحظاتی می‌شود که آن قضاوت بر آن استوار است. (Abrami, & Others, 2015: 275)

مهارت‌های اصلی در تفکر انتقادی عبارتند از: تفسیر، تحلیل، ارزیابی، استنتاج، تبیین و خود تنظیمی (Facione, Peter.A, 2001: 5) تفسیر را «درک کردن معانی گزاره‌ها است که خود شامل طیف گسترده‌ای از تجربیات، موقعیت‌ها، داده‌ها، رویدادها، قضاوت‌ها، قراردادهای و باورها و مهارت‌های فرعی مانند رمزگشایی و شفاف سازی معانی و متمایز کردن ایده‌های اصلی از ایده‌های فرعی» تعریف کرده‌اند. (همان: ۵) تحلیل را: «شناسایی روابط استنتاجی میان گزاره‌ها، سئوالات، مفاهیم یا توضیح مواردی که بیانگر باورها، قضاوت‌ها، تجربیات، دلایل، اطلاعات یا نظرات» گفته‌اند و مهارت‌های فرعی آن عبارتند از تشخیص، استدلال و تجزیه و تحلیل استدلال‌ها. محققان ارزیابی را اینگونه تعریف می‌کنند: «ارزیابی اعتبار بیانیه‌ها یا دیگر گزارش‌ها و توصیفات یک شخص هستند. استنتاج نیز قضاوت درباره باور یا عقیده و ارزیابی منطقی روابط بین اظهارات، توضیحات و سئوالات است. و تبیین یعنی اینکه فرد قادر به ارائه قانع کننده نتایج استدلال به روش منسجم و روشن باشد. مهارت‌های فرعی

^۴ Edward Glaser

تیبین عبارتند از: توضیح روش‌های توصیفی و نتایج، ارائه روش‌های توجیهی و پیشنهاد یا دفاع با دلایل موجه از علل و پیامدهای یک موضوع. خودتنظیمی یعنی به تمام ابعاد انتقادی نگاه کنید فکر خود را دوباره چک کنید. خودتنظیمی مانند یک تابع بازگشتی است یعنی می‌تواند برای همه چیز از جمله خودش اعمال شود. شما می‌توانید تفسیر ارایه شده را بررسی و تصحیح کنید، استنتاجی را که گرفته‌اید، مرور کنید و یکی از آن‌ها را دوباره فرموله کنید، حتی شما می‌توانید توضیحات خودتان را مجدد بررسی کنید و آن را تصحیح کنید. بنابراین کارشناسان خودتنظیمی را به معنای «خودآگاهانه نظارت کردن بر خود» تعریف کرده‌اند و دو مهارت فرعی خودتنظیمی عبارتند از خودآزمایی و خود اصلاحی. (ibid:5-8)

۴-۲ عکس دانش آموز را به تفکر وا می‌دارد

به عنوان معلم، ما می‌خواهیم دانش‌آموزانمان حقیقت را تا جایی که می‌توانند بدانند، و این به همان اندازه در مطالعه تاریخ صادق است که در ریاضیات، علوم، فلسفه یا الهیات. اما در حالی که برخی موضوعات دیگر را می‌توان در زمان واقعی تجربه کرد، تاریخ اغلب مدت هاست که از بین رفته است، و دانش‌آموزان می‌توانند زمینه یا چارچوب بسیار محدودی داشته باشند که در آن رویدادها یا شخصیت‌های تاریخی خاص را قرار دهند. به عبارت دیگر، آنها به سختی می‌توانند واقعیت تاریخی را که مطالعه کنند، ببینند و یا به اشتباه در چارچوب درک امروزی خودشان از واقعیت تصور کنند. بنابراین تاریخ صرفاً انتزاعی باقی می‌ماند - داستان‌هایی درباره افرادی که مرده‌اند. قرن هاست و هیچ ربطی به زندگی امروز ندارند. بنابراین، چه کاری می‌توانیم انجام دهیم تا هم واقعیت تاریخ را به دانش‌آموزان نشان دهیم و هم علاقه‌شان را به موضوع جلب کنیم؟ منابع اولیه از این جهت کلیدی هستند که بخشی واقعی از دوره زمانی را برای دانش‌آموز می‌آورند. اسناد مکتوب اولیه مفید هستند، اما تصاویر و مصنوعات حتی مؤثرتر هستند، زیرا حواس متعددی را درگیر می‌کنند و بیشتر به دانش آموز کمک می‌کنند تا واقعیت تاریخ را ببینند. با مواجهه مکرر و معنادار دانش‌آموزان با تصاویر افراد و رویدادهایی که در حال مطالعه آن‌ها هستیم، به آن‌ها اجازه می‌دهیم وارد آن دوره زمانی شوند، با آن ارتباط برقرار کنند، در مورد آن همانطور که در واقع بوده فکر کنند و عمیق‌تر آن را درک کنند. (Nix & Bohan, 2014:12-13)

با استفاده از تصاویر، بهتر می‌توانیم از تخیل دانش‌آموزان خود بهره ببریم. در وهله اول، وقتی دانش‌آموزی موضوعات را خودش دیده باشد، راحت‌تر از تخیل خود استفاده می‌کند و به موضوعی فکر می‌کند بنابراین، احتمال بیشتری دارد که آن تخیل را به کار گیرد. ثانیاً چون تصاویر واقعی تاریخی را دیده است، تخیل او از مردم، مکان‌ها و رویدادها بیشتر به واقعیت زمان مورد نظر وفادار خواهد بود. اگر بتوانیم تخیل دانش‌آموز را به این طریق درگیر کنیم، و اگر بتوانیم این کار را با بازنمایی دقیق تاریخ مورد مطالعه خود انجام دهیم، دسترسی دانش‌آموزان

خود را به واقعیت تاریخ بیشتر می‌کنیم. (ibid:14) عکس‌های تاریخی می‌توانند بر بسیاری از جنبه‌های کلاس درس تاریخ تأثیر بگذارند، از جمله:

(الف) توسعه مشارکت دانش‌آموزان در فرایند آموزش.

(ب) افزایش یادگیری تجربی،

(ج) توسعه دانش تاریخی و همدلی دانش‌آموزان با درس

(د) توسعه مهارت‌های سواد بصری قابل استفاده در زندگی خارج از مدرسه.

کار با عکس‌های تاریخی نیز می‌تواند باعث واکنش‌های احساسی شود و به تجربیات معنادار و به یاد ماندنی برای دانش‌آموزان تبدیل شود. همانطور که برخی از محققان اشاره می‌کنند، زمانی که دانش‌آموزان از قلب و مغز خود برای تعامل با گذشته استفاده می‌کنند، این احساسات به سبب به ماندگاری‌اش منتقل می‌شود. خاطرات، تجربیات و تعامل با تصاویر، واکنش‌های عاطفی را برمی‌انگیزد که می‌تواند اثرات شناختی طولانی‌تری نسبت به آنهایی که این کار را نمی‌کنند، ایجاد کند. (zull,2002: 138-140)

ورنر معتقد است که استفاده از تصاویر در یک زمینه تاریخی می‌تواند به دانش‌آموزان در توسعه روایت‌هایی کمک کند که سوگیری‌های شخصی را آشکار می‌کند و دانش‌آموزان را تشویق می‌کند به دنبال نظرات همدلانه دیگران باشند. (Werner,2002:404) بر اساس نظریه هوش‌های چندگانه، استفاده از تصاویر بصری می‌تواند راهی برای یادگیری دانش‌آموزان فراهم کند که از طریق منابع بصری و زیبایی‌شناختی بهتر یاد بگیرند. دانش‌آموزان در بیشتر اوقات دور از مدرسه غرق در تصاویر بصری هستند. پیام‌های بصری دارای قدرت شکل دادن به کلیشه‌ها، تعیین روابط مقتدرانه، شکل دادن به هویت‌های گروهی و تأثیرگذار بر ادراکات و باورهای شخصی هستند. بنابراین، آموزش تحلیل انتقادی به دانش‌آموزان با کمک تصاویر می‌تواند برای آنها هم در داخل و هم خارج از مدرسه مفید باشد. (Nix & Bohan,2014:14-15) هنگام انتخاب عکس برای استفاده در کلاس درس، چندین سؤال وجود دارد که باید در نظر گرفته شود:

(۱) آیا عکس‌ها اهداف درس را برآورده می‌کنند؟

(۲) آیا عکس‌ها از نظر بصری جذاب هستند؟

(۳) آیا این تصاویر برای دانش‌آموزان قابل تأمل است؟

بنابراین در گام اول باید از عکس‌هایی استفاده شود که بر روی موضوع و اهداف درس تمرکز داشته و مرتبط هستند. استفاده از تصویر با کمی یا بدون هیچ ارتباطی با موضوع دانش‌آموزان را گیج کرده و باعث عدم مشارکت آنان می‌شود. (Madison, 2004: 65-67)

نکته دوم در انتخاب عکس‌ها این است که عکس‌ها باید از نظر بصری جذاب، تحریک‌کننده یا چشم‌نواز باشند عکس‌هایی با این کیفیت می‌توانند ماندگار باشند و با اثرگذاری بر احساسات دانش‌آموزان باعث می‌شود که مغز دانش‌آموزان با عکس ارتباط برقرار کند و آن را برای مدت طولانی به خاطر بسپارند. مؤرخانی که از تجزیه و تحلیل تصاویر حمایت می‌کنند در یک نکته به وضوح، اتفاق نظر دارند: آنها از معلمان می‌خواهند که از تصاویر صرفاً به عنوان ترفندهای نمایشی برای درگیر کردن دانش‌آموزان و یا به عنوان منبع تفسیرها، استدلال‌ها و درک‌های تاریخی استفاده نکنند، بلکه به دلیل ارزشی که تصاویر از نظر حافظه و یادگیری طولانی مدت دارند، شواهد بصری باید از حاشیه به مرکز تحقیقات تاریخی بیایند. تاریخ چیزی نیست که فرد «به خاطر بسپارد»، و به همین دلیل بایستی به دنبال بررسی چگونگی ارتباط تصاویر خاص با دانش محتوا و به نوبه خود با تفکر تاریخی بود. (Berry & others, 2008: 437-441)

نکته سوم اینکه عکس‌هایی انتخاب شود که حاوی محتوای زیادی هستند، مانند افراد، اشیاء و فعالیت‌هایی که به ایجاد سؤالات و علاقه دانش‌آموزان کمک کند. دانش‌آموزان دوست دارند به موضوعات، اعمال و افراد موجود در تصاویر نگاه کنند، درباره آنها صحبت کنند، و درباره آنها استنباط کنند. این ویژگی‌ها همان چیزی است که تصاویر را به شکل‌های آموزشی مفید و جذاب تبدیل می‌کند. (Nix & Bohan: 22)

معلمان تاریخ هنوز با آثار دیداری مانند عکس خیلی راحت به نظر نمی‌رسند و آشکارا متون نوشتاری را بر متون تصویری ترجیح می‌دهند. امروزه چیزی وجود دارد که لوئیس مازور^۶ آن را «فرهنگ بصری فراگیر»^۷ نامیده است که در آن رمزگشایی تصویر و واقعیت و اصالت دشوار است. شاید این دلیلی است که دانش‌آموزان اغلب می‌خواهند باور کنند که عکس‌ها و اشیاء را به همان صورتی که هستند ثبت کنند. لوئیس هاین^۸ عکاس بزرگ آمریکایی هشدار داد: «در حالی که عکس‌ها ممکن است دروغ نگویند، دروغگوها ممکن است عکاسی کنند»، توصیه‌ای به محققان برای اینکه وقت بگذارند و یک عکس را بخوانند. در طول قرن گذشته، با دموکراتیک شدن جوامع، دوربین فیلم‌برداری و شبکه‌های دیجیتال کامپیوتر محبوبیت یافته و بازنمایی واقعیات را دگرگون کرده است. از آنجایی که همه تصاویر هم بازنمایی و هم تفسیری از واقعیت ارائه می‌کنند، به این ترتیب، نگاه‌های اجمالی به گذشته - در واقع بسیار مهم - هستند. بنابراین مؤرخان و معلمان باید در تدریس با تصاویر راحت‌تر شوند و دانش‌آموزان را

۶) Louis P. Masur
۷) ubiquitous visual culture
۸) Lewis Hine

در هنر سواد بصری درگیر کنند. تصاویر باید به اندازه معلم تاریخ توسط فراگیران پردازش، ادغام و تفسیر شوند. (Berry & others: 437)

یک تصویر می‌تواند ارزش هزاران کلمه را داشته باشد. پاسخ دانش‌آموزان را تصور کنید که معلم‌شان عکس سیاه و سفیدی را در دست گرفته است که در آن ماشین‌های قدیمی خیابان شهر را پر کرده‌اند. تابلویی منحنی به نام «خانه تئاتر» به چشم می‌خورد و مردم در پیاده‌روها صف کشیده‌اند. معلم می‌پرسد: فکر می‌کنید در این تصویر قدیمی چه می‌گذرد؟ با دانش آموزی که کنارتان نشسته صحبت کنید و ببینید آیا با هم موافقید یا خیر؟ دانش‌آموزان برای داشتن دید بهتر تلاش می‌کنند. پس از اینکه چند دقیقه برای بحث در نظر گرفته شد، معلم ایده‌ها و استدلال‌های آنها را می‌پرسد یکی از دانش‌آموزان فکر می‌کند که باید یک رژه باشد زیرا همه ماشین‌های قدیمی به صف در حال حرکتند. دیگری عقیده دارد که مردم بعد از کار در خیابان‌ها «حلقه‌نشین» هستند، زیرا این کاری است که پدرش و دوستانش انجام می‌دهند. دانش‌آموزان دیگر به خرید یا رفتن به سینما اشاره می‌کنند. معلم این مشارکت‌ها را تحت دو عنوان روی تخته ثبت می‌کند: مردم چه می‌کنند؟ و چرا ما چنین فکر می‌کنیم؟ سپس معلم می‌گوید: اینها پیشنهادات خوبی هستند، و شما کار خوبی برای ارائه دلایل برای ایده‌های خود انجام داده‌اید. امروز تصاویر قدیمی دیگری را که من از اینترنت دالود کرده‌ام، مشاهده کنید. به همراه همکلاسی‌هایتان، آنها را بررسی کرده و آنچه را که فکر می‌کنید در هر تصویر می‌گذرد بیان کنید و بگوئید چرا چنین فکر می‌کنید. (Barton, 2001: 278)

۳-۴ آموزش تفکر انتقادی با عکس

تفکر انتقادی (CT) یُگ کارکرد ذهنی درجه بالاتری است که تحت تأثیر عوامل اجتماعی و در بافت‌های اجتماعی صورت می‌گیرد و موجب می‌شود. مهارت‌های CT آموخته شده در کلاس‌ها به موقعیت زندگی واقعی انتقال یابد. البته پژوهش در مورد ایجاد تجارب یادگیری CT که فراگیران را برای پیچیدگی‌های موجود در جامعه آماده کند، بسیار اندک است. در این مقاله تفکر انتقادی به عنوان یک کنش اجتماعی مورد توجه قرار گرفته و روش‌های آموزشی موثر CT که این جنبه را در بر می‌گیرد، بررسی می‌کند. «هدف اتخاذ این رویکرد، غلبه بر محدودیت‌های روش‌های موجود است که انتقال آرام یادگیری کلاسی به زندگی را دشوار فرض می‌کنند، حتی زمانی که این انتقال به دلیل ماهیت اجتماعی رفتارهای ما، دشوار باشد» (Yekyung, 2018: 139-141).

به عنوان معلم تاریخ، ما می‌خواهیم دانش‌آموزانمان حقیقت را تا جایی که می‌توانند بدانند، و این به همان اندازه در مطالعه تاریخ صادق است که در ریاضیات، علوم، فلسفه یا الهیات. اما در حالی که برخی موضوعات علوم و دانش‌های دیگر را می‌توان در زمان واقعی تجربه کرد، موضوع و گزاره‌های تاریخی از بین رفته است، و دانش

آموزان زمینه یا چارچوب بسیار محدودی دارند تا آن رویدادها یا شخصیت های تاریخی خاص را در آن قرار دهند. به عبارت دیگر، آنها به سختی می توانند واقعیت تاریخی را که مطالعه می کنند، ببینند. در این صورت دو اتفاق در یادگیری تاریخ واقع می شود: یا دانش آموزان به اشتباه در چارچوب درک امروزی خودشان واقعیت را تصور می کنند، یا تاریخ صرفاً انتزاعی بوده و در محدوده داستان هایی درباره افرادی که مرده اند، باقی می ماند. بنابراین، چه کاری می توانیم انجام دهیم تا هم واقعیت تاریخ را به دانش آموزان نشان دهیم و هم علاقه شان را به موضوع جلب کنیم؟ منابع اولیه مانند مکتوبات و اسناد از جهت بازنمایی گذشته کلیدی هستند، اما تصاویر و مصنوعات حتی مؤثرتر از آنها هستند زیرا حواس متعدد را درگیر می کنند و بیشتر به دانش آموز کمک می کنند تا واقعیت تاریخ را ببینند. با مواجهه مکرر و معنادار دانش آموزان با تصاویر افراد و رویدادهایی که در حال مطالعه آنها هستیم، به آنها اجازه می دهیم وارد آن دوره زمانی شوند، با آن ارتباط برقرار کنند، در مورد آن همانطور که در واقع بود فکر کنند و عمیق تر آن را درک کنند. با استفاده از تصاویر، بهتر می توانیم از تخیل دانش آموزان خود بهره ببریم. در وهله اول، وقتی دانش آموزی موضوعات را خودش دیده باشد، راحت تر از تخیل خود استفاده می کند و به موضوعی فکر می کند و بنابراین، احتمال بیشتری دارد که آن تخیل را به کار گیرد. ثانیاً چون تصاویر واقعی تاریخی را دیده است، تخیل او از مردم، مکان ها و رویدادها بیشتر به واقعیت زمان مورد نظر وفادار خواهد بود. اگر بتوانیم تخیل دانش آموز را به این طریق درگیر کنیم، و اگر بتوانیم این کار را با بازنمایی دقیق تاریخ مورد مطالعه خود انجام دهیم، نه تنها دسترسی دانش آموزان خود را به واقعیت تاریخ بیشتر می کنیم، بلکه به آنها نیز دسترسی خواهیم داشت تا واقعیات را برای آنها جالب تر و خاطره انگیزتر کنیم.

کتابخانه کنگره آمریکا منابع اولیه قابل استفاده در تحقیقات تاریخی را در شش گروه قرار داده است:

- (۱) منابع مادی شامل ابزار، سلاح، اختراعات، لباس، مد، سنگ قبر.
- (۲) منابع تصویری شامل عکس، فیلم، فیلم مستند، هنرهای زیبا.
- (۳) منابع شنیداری شامل سوابق تاریخی شنیداری، سوابق مصاحبه، سوابق موسیقی.
- (۴) منابع آماری شامل داده های جمعیت، نقشه ها، نقشه های معماری، نمودارها، جداول آماری.
- (۵) منابع متنی شامل روزنامه ها، نامه ها، کتاب های آشپزی تاریخی، آگهی ها، یادداشت های روزانه، متون تاریخی، اسناد تاریخی، خاطرات و سفرنامه ها.
- (۶) منابع عمومی: عکس های خانوادگی، ابزار، تجهیزات و لباس های باقی مانده از اجداد.

اکثر معلمان تاریخ در مدارس استدلال می‌کنند که اگر شواهد «پایه نظم و انضباط» است، توسعه «مهارت‌های تفکر تاریخی» در استفاده از شواهد، پیش نیاز ضروری انباشت اطلاعات است. (Husbands, 1996: 16) از روش‌هایی که برای توسعه مهارت‌های تفکر انتقادی و تاریخی مورد توجه معلمان تاریخ است می‌توان به روش تدریس پرسشی، بازی نقش، شبیه‌سازی، اجرای مجدد، تجزیه و تحلیل متون متعدد، مطالعه شفاهی و تصویری، تجزیه و تحلیل، سوگیری، بررسی دیدگاه‌ها مختلف و تحلیل اسناد (Savich, 2009: 2) و تفسیر عکس‌ها و فیلم‌های تاریخی و مستند اشاره کرد.

تصاویر فقط ابزار ساده‌ای برای کمک به فرآیند تدریس نیستند. در دنیای چند رسانه‌ای معاصر، تصاویر بخشی از زندگی اجتماعی هستند و باید در کلاس درس با آنها اینگونه رفتار شود. (Werner, 2002, p. 401) آموزش مدرن در برخی زمینه‌ها شامل استفاده از تصاویر در تدریس تاریخ می‌شود. بخشی از این آموزش‌ها مربوط به ارائه بصری ساختمان‌های گذشته، رویدادها یا شخصیت‌ها می‌باشد. که موجب غنی‌سازی دانش فراگیران و درک بهتر آنها از تاریخ می‌شود. (Barton: 279) عکس‌ها و تصاویر تاریخی از گذشته می‌تواند نگاهی واقعی به تاریخ را در دانش‌آموزان ایجاد کند و غالباً می‌توانند دوره‌ها یا فرهنگ‌هایی را کشف کنند که مدت‌هاست ناپدید شده یا تغییر کرده‌اند. از طریق اینها دانش‌آموزان می‌توانند نه تنها فرهنگ عمومی خود را بهبود بخشند، بلکه مهارت‌هایی را نیز که می‌تواند به آنها در زندگی اجتماعی کمک کند، بهبود بخشند. استفاده از تصاویر در تدریس تاریخ می‌تواند تأثیرات مفیدی در روند آموزشی داشته باشد از جمله:

- دانش‌آموزان را به طور فعال در کشف واقعی گذشته درگیر می‌کند.
- روند آموزشی را غنی می‌کند.
- چیزی را که متخصصان همدلی تاریخی می‌نامند، توسعه می‌دهد
- مهارت‌هایی را توسعه می‌دهد که می‌توان در زندگی اجتماعی از آن استفاده کرد.

این وظیفه مدرسه و مراقبت معلمان تاریخ است که تصاویر استفاده شده را با دقت انتخاب کنند، زیرا در فرآیند آموزشی، تصاویر با تأثیر عاطفی قوی می‌توانند بیش از آنکه مفید باشند، ضرر داشته باشند. بنابراین، ارائه تصاویری از میدان‌های جنگ، تصاویر اردوگاه کار اجباری یا تصاویر شهرهای ژاپن پس از بمباران اتمی در طول جنگ جهانی دوم می‌تواند اثر معکوس داشته باشد و باعث آسیب شود. هنگام انتخاب تصاویر، معلمان باید یک اصل اساسی را در نظر بگیرند، یعنی اینکه آیا انتخاب عکس یا فیلم واقعاً با اهداف و محتوای درس مطابقت دارد؟ سپس آن را انتخاب کنند. تجزیه و تحلیل تصاویر انتخاب شده برای درک اینکه آیا محتوای آنها برای کلاس جذاب است یا

خیر، مهم است. این چالشی برای دانش‌آموزان در تفکر تحلیلی است، انتخاب تصاویری که هیچ ارتباطی ندارند با این موضوع، اگرچه آنها می‌توانند از نظر بصری جذاب باشند، اما می‌توانند دانش‌آموزان را گمراه کند.

برای تجزیه و تحلیل یک تصویر، دانش‌آموزان باید دانش اولیه‌ای از تکنیک‌های تصویربرداری و فیلمبرداری داشته باشند. انتخاب تصاویری که حاوی فعالیت‌ها هستند، مکان‌ها را کاملاً توصیف می‌کنند و افراد تاریخی را نشان می‌دهند، توانایی دانش‌آموزان برای پرسیدن سؤال و تحلیل انتقادی آنچه ارائه شده است را بالا می‌برد. دانش‌آموزان سئوالات زیادی دارند که باید پرسیده شود. پس از ارائه تصاویر و شنیدن سئوالات، پاسخ‌ها باید در رابطه با محتوا و اهداف درس معلم باشد. معلم باید ایده اصلی را به دانش‌آموزان ارائه دهد که بر اساس آن، آنها می‌توانند دوره، زمینه و رویدادهای خاص درس را بهتر تجسم و درک کنند. در تدریس، سئوالات حاصل از مشاهده تصاویر بهترین گزینه برای برانگیختن بحث و گفتگو هستند. مشاهده تصاویر می‌تواند ایده‌ها و تعصبات در مورد فرهنگ‌های خاص، تصور غلط در مورد نقش رویدادها یا افراد در تاریخ را از بین ببرد. اکثر دانش‌آموزان اوقات فراغت خود را خارج از مدرسه به جمع کردن تصاویر بگذرانند. او باید متوجه شود که تجسم تصاویر، در زندگی روزمره، بسیار متفاوت از تفسیر انتقادی آن است. (Tepelea, 2021: 2-5)

تاریخ به‌طور مرتب توسط مردم از هر طبقه‌ای برای اهداف مختلف به کار گرفته می‌شود. تاریخ کار مهمی در شکل دهی احساس ما نسبت به جهان انجام می‌دهد. یکی از اهداف کلیدی تاریخ، هدایت دانش و یافته‌های تولید شده توسط مؤرخان به سمت کسانی است که به مشکلات مشابه در زمان حال می‌پردازند. ما استدلال می‌کنیم که در درک گذشته می‌تواند به افراد کمک کند تا در هنگام مواجهه با شرایط مشابه امروز تصمیمات بهتری بگیرند. عکس‌ها اغلب پنجره‌ای به گذشته هستند. اگر بخواهیم به طور کامل عکس را به عنوان منبع تاریخی بنگریم باید علاوه بر تصویر، اشیاء، افراد و زمینه‌های تولید و تاریخ عکس را هم در نظر بگیریم. مهم‌تر از آن، به لطف این اشیاء، عکس‌ها دیگر تصویرسازی منفعل نیستند تا به عوامل تاریخی تبدیل شوند. عکس‌ها صرفاً آنچه را که متن می‌گوید تأیید نمی‌کنند، بلکه خود به شواهد تاریخی اعمال اجتماعی، فرهنگی و سیاسی تبدیل می‌شوند. این بدان معناست که ما می‌توانیم هر نوع تاریخی را از طریق منابع عکاسی بررسی، تحلیل و تفسیر کنیم.

تحقیقات نشان داده است که آموزش تاریخ در سطح متوسطه همچنان به صورت افراطی به سخنرانی، یادداشت برداری، کتاب‌های درسی، و کاربرگ‌ها متکی است. به طور سنتی، کتاب‌های درسی ابزار مناسبی برای درس تاریخ بوده‌اند. کتاب درسی برای یادگیری «داستان به ظاهر واقعی» تاریخ طراحی شده‌اند تا حجم زیادی از اطلاعات را در زمان کوتاهی پوشش دهد، اما این ساده‌سازی بیش از حد هزینه دارد (Hynd shanahan & others, 2004) معلمان به شدت به منابع متنی تکیه می‌کنند که به ندرت تصاویر در آن آورده‌اند و تصاویر در متن به جز در نقش حمایتی برای محتوای تدریس شده نیست. در این وضعیت دانش‌آموزان با وظیفه‌ای حیاتی

در درک متون بصری درباره گذشته تنها باقی می‌ماند بدون دانستن و یادگیری نحوه استفاده از مهارت‌های کلیدی سوادآموزی خاص یک مؤرخ. (Chair, 2019: 15) آموزش از طریق افزودن شواهد بصری تاریخی ممکن است دانش آموزان به کمک معلمان نیاز داشته باشند تا منابع بصری را رمزگشایی کنند و به استراتژی‌های آموزشی جدیدی دسترسی پیدا کنند. معلمان با ابزارهای آموزشی به دانش‌آموزان در ایجاد معنا از متون تصویری کمک می‌کنند. دانش آموزان در حال خواندن با متون تصویری در کلاس، به راهبردهای خواندنی نیاز خواهند داشت که به همان اندازه مؤثر باشند. راهبردهای خواندن را خوانندگان خوب برای درک متن نوشته شده استفاده می‌کنند. به عنوان مثال، معلمان در حال تجزیه و تحلیل نقاشی‌ها باید نقش دوگانه‌ای را که هنر در به تصویر کشیدن گذشته ایفا می‌کند، بشناسند. نقاشی‌ها نشان دهنده رویدادهای تاریخی براساس ایده‌ها و برداشت‌هایی که هنرمندان از گذشته دارند، هستند اما در عین حال، نقاشی‌ها از منابع اصلی منعکس کننده نگرش‌ها و باورهای مردم زمانی که نقاشی خلق شده هستند. عکس‌ها، توضیحات بیشتری ارائه می‌دهند چراکه مردم به راحتی به دیدن عکس‌ها می‌آیند، چون آن را امری واقعی می‌دانند اما درک نمی‌کنند که «عکس‌ها همیشه منبعی دارند، برای هدفی خلق شده اند و گاهی برای دستیابی به آن هدف دستکاری شده‌اند.» (ibid: 17)

ورنر سه روش آموزشی برای تقویت عاملیت دانش آموزان در خواندن تصاویر پیشنهاد می‌کند:

اول، دانش‌آموزانی باید باشند به عنوان خوانندگان فعال با اختیار مشترک در معناسازی دوم، داشتن اختیار و زمان کافی تا دانش‌آموزان فرصت آزاد برای خواندن متن‌های تصویری متنوع داشته باشند، و سوم یک فضای اشتراکی فراهم شود که در آن بحث‌های گروهی بتواند تفکر و یادگیری دانش‌آموزان را به عنوان جامعه خوانندگان شکل دهد. (Werner, 2002: 401. Chair: 18)

احساس رمز و معما و تمایل به تعمق و اکتشاف عوامل اساسی انگیزشند که در پرورش مهارت‌های تفکر انتقادی لازم است. (مایرز، ۱۳۸۰: ۳)

از آنجا که نظام آموزشی ما در دو دهه اخیر به علت رویارویی با چالش‌های محتوایی و اجرایی نتوانسته به طور مکفی به پرورش تفکر پیردازد و از طرفی آسیب‌ها و تنیدگی‌های زندگی کنونی و آینده نیز تهدیدی جدی برای زندگی روانی و اجتماعی دانش‌آموزان می‌باشد، چاره‌اندیشی برای برون رفت از بحران‌های پیش رو امری ضروری است که به نظر می‌رسد در این راستا آموزش مهارت‌های تفکر به شیوه‌ای سنجیده و سازمان یافته و فراهم نمودن چهارچوب نظری قوی برای رشد تفکر انتقادی و توان‌اندیشیدن که از ملزومات سازگاری در هزاره جدید است، می‌تواند به عنوان یک ضرورت اجتناب ناپذیر از اهمیت والایی برخوردار باشد (فتحی آذر و دیگران، ۱۳۹۲: ۲۰۰).

عکس از جمله منابع دیداری است که امروزه نقش مهمی در آموزش تاریخ دارد. به عقیده محققان گاه یک عکس تاریخی می‌تواند ارزش هزاران کلمه را داشته باشد. عکس‌ها به دلیل ویژگی قابل تفسیر بودن در شکل‌گیری تفکر انتقادی در دانش‌آموزان نقش مهمی دارند. مهارت‌های اصلی در تفکر انتقادی که عبارتند از: تفسیر، تحلیل، ارزیابی، استنتاج، تبیین و خودتنظیمی با استفاده از عکس‌های تاریخی در دانش‌آموزان رشد نموده و با تمرین و تکرار، توسعه می‌یابد. تحقق این امر منوط به رعایت اصول و مبادی آموزشی از سوی معلمان از مرحله انتخاب تصاویر تا ارائه، بازخوانی، تحلیل، تفسیر و ارزیابی آنها می‌باشد. بنابراین در پاسخ به سؤال پژوهش می‌توان گفت که عکس و فیلم به عنوان رسانه‌ای در دسترس و دارای کاربرد چندوجهی موجب توسعه تفکر انتقادی در فراگیران می‌شود.

با توجه به اینکه توسعه مهارت تفکر انتقادی یکی از اهداف مهم نظام آموزشی در دستار تاریخ است پیشنهاد می‌شود که:

- (۱) در آموزش تاریخ شکل‌گیری سواد بصری به عنوان پیش‌نیاز مهارت تفکر انتقادی مورد توجه معلمان قرار گیرد.
- (۲) از عکس‌های تاریخی خواه تصاویر موجود در کتاب‌های درسی و یا عکس‌های موجود در اینترنت، مجموعه عکس‌ها، گالری‌ها و آلبوم‌های عکس به عنوان یک فعالیت آموزشی استفاده شود.
- (۳) انتخاب و گزینش عکس‌ها بر اساس اصول آموزشی، تربیتی و عاطفی صورت گیرد و معلم برای بهره‌گیری از تصاویر هدف آموزشی مشخصی داشته باشد.
- (۴) توسعه مهارت تفکر انتقادی مستلزم، آموزش، تمرین و تداوم است بنابراین تنوع تصاویر و بازگویی روایات و تفاسیر این عکس‌ها با هدف گفته شده توافقی دارد.

منابع و مآخذ

- براون، ام. نیل و ام. کیلی، استوارت (۱۳۹۷). راهنمای تفکر نقادانه، پرسیدن سؤال‌های به جا، ترجمه کوروش کامیاب، تهران: دفتر سیاستگذاری و برنامه ریزی فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- بوث، آلن (۱۳۹۴)، آموزش تاریخ در دانشگاه، ارتقای سطح یادگیری و فهم، ترجمه سیدمحسن علوی پور، تهران، سمت

- زارعی اورکی، اسماعیل و جعفرخانی، فاطمه (۱۳۹۲)، «بررسی کاربرد تصویر در آموزش ویژه»، **تعلیم و تربیت استثنایی** سال سیزدهم، شماره ۷ (پیاپی ۱۲۰). صص ۲۷-۳۶
- فتحی آذر، اسکندر و ادیب، یوسف و هاشمی، تورج و بدری گرگری، رحیم و غریبی، حسن (۱۳۹۲)، «اثر بخشی آموزش راهبردی تفکر بر تفکر انتقادی دانش‌آموزان»، **پژوهش‌های نوین روانشناختی**، سال ۸، ش ۲۹، اردیبهشت. صص ۱۹۵-۲۱۶.
- مایرز، چت (۱۳۸۰)، **آموزش تفکر انتقادی**، ترجمه خدایار ابیلی، تهران: سمت.
- نظری، سحر (۱۳۹۵)، **بررسی تاثیر آموزش با استفاده از اینفوگرافیک بر تفکر انتقادی در درس تاریخ دانش‌آموزان دختر دوره اول متوسطه شهرستان سرپل ذهاب در سال تحصیلی ۹۵-۱۳۹۴**، پایان نامه کارشناسی ارشد تکنولوژی آموزشی، دانشگاه رازی کرمانشاه.
- واربرتن، نایجل (۱۳۸۸). **اندیشیدن - فرهنگ کوچک سنجشگرانه اندیشی تفکر انتقادی**، ترجمه محمد مهدی خسروانی، تهران: علمی و فرهنگی.
- **Abrami, Philip C. & Bernard, Robert M. & Borokhovski, Eugene & Waddington, David I. & Wade, C. Anne & Persson, Tonje (2015), "Strategies for Teaching Students to Think Critically: A Meta-Analysis", Review of Educational Research, Vol. 85, No. 2, pp. 275 –314 .DOI: 10.3102/0034654314551063.**
- **Barton, Keith C. (2001). "A Picture's Worth." Social Education, Vol. 65, No. 5, Sept. pp278-283.**
- **Berry, Chad; Schmied, Lori A.; Schrock, Josef Chad (2008). The role of emotion in teaching and learning history: A scholarship of teaching exploration. History Teacher, Vol 41, No 4, pp 437–452.**
- **Booth, Alan (2000), Creating a context to enhance learning in history, The Practice of University History Teaching, Manchester University Press.**
- **Chair, Joseph O'Brien (2019). Reading Visual Texts as a Community of Readers: Developing Historical Thinking Skills Among Adolescents Using Historical Photographs, University of Kansas Publish.**
- **Chad Berry, Lori A. Schmied & Chad Schrock, Josef (2008). The Role of Emotion in Teaching and Learning History: A Scholarship of Teaching Exploration, The History Teacher, vol.41, no.4. pp437-452**

- **Facione, Peter. A. (2001). Critical Thinking: What It Is and Why It Counts, California Academic Press.**
- **Fleming, Neil, and Baume, David. (2006) Learning Styles Again: VARKing up the right tree!, Educational Developments, SEDA Ltd, Issue 7.4, Nov. 2006, p4-7.**
- **Glaser, E. M. (1941). An experiment in the development of critical thinking. New York, NY: Teachers College, Columbia University.**
- **Glaser, Edward M. (1942), An Experiment in the Development of Critical Thinking, Teacher's College, Columbia University, Vol 43, Issue 5.**
- **Goolkasian, Paula (2010). "Pictures, Words, and Sounds: From Which Format Are We Best Able to Reason?" The Journal of General Psychology, vol.127, No4. pp439-459**
- **Husbands, Chris. (1996). What is History Teaching? Language, Ideas and Meaning in Learning about the Past, Buckingham: Open University Press.**
- **Hynd-Shanahan, Cynthia Patrick Holschuh, Jodi Hubbard, Betty P. (2004), Thinking like a historian: College students' reading of multiple historical documents, Journal of Literacy Research, Vol 36, No2, pp 141-176**
- **Larsson, Kristoffer (2017), "Understanding and teaching critical thinking—A new approach", International Journal of Educational Research, No 84. pp32-42**
- **Nix, Jearl & Bohan, Chara H. (2014). Looking at the past for help in the present: The role of historical photos in middle and secondary history classes. Ohio Social Studies Review, 51(2), 13-22**
- **Raminta Barzdžiukienė, Jūratė Urbonienė, Giedrė Klimovienė (2006), Developing Critical Thinking through Cooperative Learning, Kauno Technologijos Universitetas. Issue no.9. pp.77-84. P77**
- **Savich, Carl (2009), "Improving Critical Thinking Skills in History", An On-Line Journal for Teacher Research. Vol.11, Issue.2 . <https://doi.org/10.4148/2470-6353.1106>. pp1-12**
- **Tepelea, Marius (2021). Using of video and images in Teaching history. Conference Paper. <https://www.researchgate.net/publication/350420740>**

-
- Werner, W.,Reading,(2002) “Visual texts. Theory and Research”, Social Education, vol. 30.No3 .pp.401-428
 - Yekyung, Lisa Lee(2018). " Nurturing critical thinking for implementation beyond the classroom: Implications from social psychological theories of behavior change", Thinking Skills and Creativity, vol 27,pp139-146.
 - Zull,James. E(2002). The art of changing the brain : enriching teaching by exploring the biology of learning, Stylus Publishing.
 - Madison, J. H. (2004). Teaching with images. OAH Magazine of History, vol 18.no2,pp 65–68.

